

نقدی بر کتاب نظام وزارت در دولت عباسیان (عصر آل بویه و سلجوقیان)

سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده*

چکیده

نظام وزارت یکی از ارکان قوام‌بخش هر حکومتی است. هرگاه حکومتی از یک دستگاه دیوانی قوی برخوردار باشد، ثبات بیش‌تری داشته است و دولت عباسی نیز از دستگاه دیوانی - وزارتی برخوردار بوده است که نمود آن در دوره آل بویه و سلجوقیان بیش‌تر به‌چشم می‌آید. برای تبیین نقش دیوان وزارت آثار زیادی نوشته‌اند. یکی از آن‌ها کتاب *نظام وزارت در دولت عباسیان (عصر آل بویه و سلجوقیان)* اثر زهرانی است. این تحقیق با رویکردی تفسیری و مسئله‌ای در پی نقد و بررسی کتاب مذکور است و یافته‌ها حاکی است که زهرانی هرچند به اهمیت نظام وزارت می‌پردازد، اما او هم به سبک و سیاق متقدمان همان اطلاعات را بازگو می‌کند و یک مدل کلی را برای سامان تحقیق طرح کرده و براساس آن کل کتاب را تحلیل کرده است. همین امر باعث محدودیت‌هایی در ارائه تحلیل بهتر شده است و درنهایت این‌که به نقش خود وزیر در مقام یک فرد بیش‌تر پرداخته است تا این‌که او را در قالب یک نظام بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: نظام وزارت، دولت عباسی، آل بویه، سلجوقی، زهرانی.

۱. مقدمه

وزارت یکی از عناوین دستگاه‌های دولتی و بالاترین و مهم‌ترین مقامات است. کلمه «وزیر» معرب واژه «وی چیر» پهلوی است که در اوستایی «وی چیرا» به معنی فتوادهنده است

* استادیار پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، rabbanizadeh@ihcs.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۰

(پورداود ۱۳۸۰: ۷۸). سابقه وزارت و دیوان‌سالاری در تاریخ ایران به دوران باستان برمی‌گردد و از وزیران معروف ایرانی می‌توان به افرادی چون مهرنرسی وزیر بهرام گور و بزرجمهر وزیر انوشیروان اشاره کرد.

در رأس کلیه دستگاه‌های اداری دولت هزاریات، که «وزرگ فراماتر» هم نامیده می‌شد، قرار گرفته بود. هزاریات فراماتر مشاور کل پادشاه بود و مقام و منصب وزیر بزرگ در دوران خلافت اعراب انعکاس همان اختیارات وزرگ فراماتر دوره ساسانیان است (دیاکونوف ۱۳۴۶: ۳۹۶).

در دوره اسلامی و در دوره حکومت عباسیان نظام وزارت از مهم‌ترین ارکان حکومت بود. با وسعت امپراطوری اسلام در دوره عباسیان، اداره امور مملکتی اهمیت پیدا کرد و مقام وزیر بالا رفت و بسیاری از وظایف خلیفه به او واگذار شد. نظام وزارت از همان نخستین سال‌های تشکیل دولت عباسی نقش بسیار سترگ و به‌سزایی در استقرار و تثبیت حکومت عباسیان ایفا کرد. آنچه باعث شکوفایی و رونق دوره اول عباسی (از عباس سفاح تا متوکل) شد و از آن به‌عنوان دوره اقتدار و سلطه سیاسی خلفای عباسی یاد می‌کنند حضور فعال دیوان وزارت در عرصه سیاسی و اجتماعی بود که با درایت و کاردانی وزارت خاندانی هم‌چون برمکی و سهل توانستند زمام امور را به‌دست گیرند. اما در دوره دوم عباسی، که عناصر ترک وارد دستگاه خلافت شدند، از قدرت وزرا کاسته شد و غلامان ترک گردانندگان اصلی دربار محسوب شدند. به‌گونه‌ای که حتی با اختیار خویش خلفا را عزل و نصب می‌کنند. این وضعیت نابه‌سامان، که بخشی از آن ناشی از ضعف نظام دیوان‌سالاری است، در دوره خلیفه راضی به نهایت خویش رسید و حکومت‌ها و امارت‌های مستقلی از دولت عباسی به‌شیوه خودمختار اداره می‌شدند و این امیرالامراها بودند که در این فاصله زمانی بر دستگاه خلافت حکمرانی کردند تا این‌که آل بویه ظهور کردند و بساط امیرالامرای را برچیدند و بغداد و دستگاه خلافت در تحت سلطه آن‌ها قرار گرفت. دوره آل بویه دوره شکوفایی، گسترش و رونق پادشاهی، و در نتیجه وزارت آل بویه است. با تورق در منابع متوجه خواهیم شد که اصلی‌ترین عامل این رونق علمی آل بویه دیوانیان مخصوصاً وزرای کاردانی هم‌چون صاحب بن عباد و مهلبی و غیره بودند. در واقع، در این دوره، نظام وزارت نقش پررنگی در دستگاه سیاسی نیز ایفا می‌کرد. بعد که سلجوقیان ظهور پیدا کردند و آل بویه متعاقب آن سقوط کرد، باز نقش دیوان وزارت در اداره کشور با حضور وزرای هم‌چون کندری و خواجه نظام‌الملک، که یکی از دوره‌های

باشکوه نظام وزارت را رقم زدند، بسیار چشم‌گیر است. اقتدار این نهاد در این دوره نوسان‌های زیادی داشت. دولت سلجوقی تا زمانی که وزیری هم‌چون خواجه نظام‌الملک در رأس کار بود با قدرت و اقتدار زیادی عمل می‌کرد، اما مرگ خواجه و ضعیف‌شدن دیوان وزارت تأثیرات خویش را بر ساختار سیاسی نیز گذاشت. به‌گونه‌ای که بعد از ملک‌شاه، دولت سلجوقی دچار جنگ‌های خانگی و تنش‌های داخلی شد که در نهایت به سقوط آن‌ها منجر شد.

بنابراین، باتوجه‌به اهمیت نظام وزارت در دولت عباسی و مخصوصاً در عصر آل بویه و سلجوقیان، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته شد که یکی از آن‌ها کتاب *نظام وزارت در دولت عباسیان (عصر آل بویه و سلجوقیان)* اثر محمد مسفر زهرانی است که به وزارت و نقش آن در این عصر پرداخته است. در متن پیش‌رو، کتاب مذکور با خوانشی تفسیری نقد و بررسی می‌شود.

هنگامی که خلافت به عباسیان رسید، قلمرو حکومت اسلامی وسعت گرفت. خلفا نیز برای بسط قدرت خود طبعاً به توسعه سازمان‌های اداری پرداختند و به تقلید از ایرانیان، مقام و منصب وزارت را به‌عنوان یکی از نهادهای مهم حکومت رسمیت دادند. وزیر در دستگاه عباسیان ولایت عام و اختیارات تام یافت و بسیاری از وظایف و تکالیف خلافت نظیر وظایف کشوری و لشکری، نظارت در دیوان‌های گوناگون مالی، دیوان رسائل و بندگان، و دیوان مربوط به امور جنگی، قضایی، و کشوری در صلاحیت مقام وزارت قرار گرفت.

وزارت در دوران عباسی بر دو نوع بود: «وزارت تنفیذ» و «وزارت تفویض». وزارت تنفیذ به اجرای دستورهای خلیفه منحصر بود. در این نوع وزارت، وزیر اقدام شخصی مستقلی نداشت و تنها پل ارتباطی بین مردم و پیشوا بود؛ اما وزیر تفویض در همه کارهای حکومتی دخالت داشت. البته بعد از تفویض این اختیار، حق تعیین ولی عهد و نیز برکناری کسانی که وزیر آنان را به کارهایی گماشته بود برای خلیفه باقی می‌ماند.

با کاهش یافتن قدرت خلفا نفوذ خلافت به وزارت منتقل شد. کار وزیر بالا گرفت و وزارت تنفیذ تبدیل به وزارت تفویض شد؛ اما در فاصله‌ای که حکومت قدرت‌مند بود خلفا کارهای حکومتی را به وزرایشان واگذار می‌کردند. از مشهورترین وزرای تفویض در دوران اول عباسی برامکه بودند. از لحاظ اهمیت، وزارت در عصر اول عباسی پس از خلافت، مهم‌ترین منصب در حکومت عباسی بود و به‌لحاظ حساس بودن وزرا نشانه‌هایی آشکار در همه جنبه‌های سیاسی اقتصادی و اداری بر جای گذاشتند (طغوش ۱۳۸۰: ۲۰).

۲. معرفی کتاب

کتاب *نظام وزارت در دوره عباسیان عصر آل بویه و سلجوقیان (۳۳۴-۵۹۰ ق)*، چنان‌که از نامش پیداست، به تبیین رسم و رسوم وزارت و بررسی اوضاع وزیران و روابط آنان با خلفای عباسی در این دو دوره مهم تاریخی می‌پردازد. مؤلف این کتاب محمد مسفر زهرانی است. وی استادیار گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه ریاض در عربستان است. انتشارات علمی و فرهنگی در سال ۱۳۹۳ اولین نسخه از کتاب را به چاپ رساند. این کتاب از عربی به فارسی ترجمه شده است. مطالب کتاب در ۲۸۷ صفحه در یک مقدمه و چهار بخش اصلی به هم‌راه گفتار پایانی و شش پیوست تنظیم شده است. پیوست‌ها به سه بخش تقسیم شده که به ترتیب در این سه بخش دربارهٔ وزرای آل بویه، سلجوقیان، و وزرای عباسیان در دوره سلجوقی است. ره‌یافت روش‌شناسانه مؤلف نسبت به موضوع پژوهش در مقدمه کتاب آمده است که خود در ذیل مفهوم پیش‌گفتار گنجانده شده است. پیش‌گفتار مذکور مشتمل بر شکل‌گیری منصب وزیر و رسم وزارت در دوره اول خلافت عباسی، تعیین حدود اختیارات و وظایف وزیر و روابط آن‌ها با خلفا و درباریان، افزایش قدرت وزرا و ترکان در عصر دوم خلافت عباسی، و تغییرات تاریخ وزارت در عصر سوم خلافت عباسی (آل بویه) و تشریح آن‌هاست.

کتاب حاضر به چهار بخش تقسیم شده است:

- در بخش نخست، به بررسی خلافت عباسیان در عصر امرای آل بویه و سلجوقیان پرداخته شده است که چگونگی پیدایش آل بویه و انحصار قدرت در دست آنان، سیاست این امیران با خلفای عباسی، و سهم‌شدنشان در پاره‌ای از جلوه‌های دینی و سیاسی خلافت را شرح می‌دهد سپس به تلاش سلجوقیان برای به‌دست‌آوردن قدرت در برابر خلفای عباسی سخن می‌گوید. هم‌چنین به روابط خلفا با سلاطین سلجوقی در دوره وحدت سلجوقیان سپس تشتت و چنددستگی آنان، بروز جنگ خانگی بین امیرانشان که به گسیختگی دولت سلجوقی منجر شد، و درنهایت، سودجستن خلفا از این اوضاع برای بازیابی قدرت و نفوذ از دست‌رفته‌شان بررسی شده است.
- بخش دوم به بررسی نظام وزارت در دوره آل بویه اختصاص یافته است که چگونگی سیر پیشرفت و تطور تشکیلات وزارت، سپردن مقام وزارت به بیش از یک وزیر، و علاقهٔ شدید به تصاحب القاب را توضیح می‌دهد. سپس مشهورترین وزرای آل بویه و تأثیر آنان در سیاست‌گذاری دولت وقت مطالعه شده است.

- بخش سوم به بررسی وزارت در عصر سلجوقیان اختصاص یافته است که تطور تشکیلاتی وزارتی در آن دوره شامل مراسم تعیین وزیر، حقوق و القاب وی، پیدایش منصب نایب وزیر، چگونگی روابط میان وزیران سلطان و خلیفه، تأثیر رقابت‌ها میان وزرای سلجوقی بر یک‌پارچگی دولت آل سلجوق و پی‌آمدهای آن را مورد بحث قرار داده است، و در پایان این فصل مشهورترین وزرای عصر سلجوقی و وظایف آن‌ها را بحث می‌کند.

- بخش چهارم به تلاش وزاری آل بویه و سلجوقی برای پیشرفت فرهنگی و مدنی دولت‌های مذکور پرداخته و تأثیر آنان در تشکیلات اداری و مالی، توجه به بهبود اوضاع اقتصادی و نقش آنان در پیش‌برد نهضت‌های علمی و ادبی، و اهتمامشان به پدیده‌های شهرنشینی را ذکر می‌کند.

مقدمه کتاب، که در ذیل پیش‌گفتار آمده است، در ۹ صفحه، مطالب فصول سه‌گانه بخش اول در ۵۲ صفحه (فصل اول ۱۲ صفحه، فصل دوم ۱۸ صفحه، فصل سوم ۲۲ صفحه)، مطالب فصول دوگانه بخش دوم در ۴۸ صفحه (فصل اول ۲۸ صفحه، فصل دوم ۲۰ صفحه)، مطالب فصول دوگانه بخش سوم در ۴۹ صفحه (فصل اول ۲۲ صفحه، فصل دوم ۲۷ صفحه)، مطالب فصول چهارگانه بخش چهارم در ۳۷ صفحه (فصل اول ۱۲ صفحه، فصل دوم ۸ صفحه، فصل سوم ۱۴ صفحه، فصل چهارم ۳ صفحه) توزیع شده است. فهرست منابع شامل پنج بخش منابع نویسنده و یک بخش منابع مترجم است. نسخه‌های خطی، مآخذ کهن و جدید و نشریات و مجلات عربی، و مآخذ خارجی منابع نویسنده را در بر می‌گیرد.

۳. دیوان سالاری عصر دیلمی

آل بویه بعد از چیرگی بر بغداد، طی سیاستی متفاوت از سایر قدرت‌های هم‌عصر خویش در خلافت برای استمرار فرمان‌روایی خویش، دیوان سالاری را به کار گرفتند. اگرچه سیستم آن‌ها برگرفته از خلافت عباسی و حکومت‌های متقارن بود، در عملکرد برخی دیوان‌ها تغییراتی دادند.

امرای آل بویه پس از تثبیت بنیان حکومتشان برای تسریع در سامان‌دهی ساختارهای حکومتی و حل پیچیدگی‌های اداره امور مناطق مفتوحه با کمک «عمال پارس» سیستم دیوان سالاری را از سامانیان و خلفای عباسی اقتباس و اجرا کردند (استخری ۱۳۶۸: ۲۹-۱۲۸).

در دوره دیلمی، وزیر در رأس دیوان‌هایی قرار داشت که هر یک از آن‌ها به اداره بخشی از امور قلمرو آل بویه می‌پرداختند. آل بویه در آغاز موجد تشکیلات دیوانی و اداری خاصی نبودند، بلکه کنترل دیوان‌ها و تشکیلات اداری بغداد را دست گرفتند. این دیوان‌ها، که در برخی مواقع کوچک‌تر یا بزرگ‌تر می‌شدند و تاحدودی تغییر نام می‌دادند، از جانب امرای آل بویه اقتباس شدند و دیوان‌های جدیدی نیز با توجه به ضروریات جامعه به وجود آمدند. از جمله این دیوان‌ها می‌توان به دیوان هزینه و دیوان فارسی اشاره کرد (ابن مسکویه ۱۴۲۴: ج ۵، ۳۶۹-۳۷۰). به مرور زمان تنوع و گسترده شدن دامنه فعالیت دیوان‌ها تغییراتی را به دنبال داشت. از نخستین تغییرات آل بویه در زمینه دیوان‌سالاری اعتلای مقام «صاحب‌دیوان» در رأس دیوان‌ها به عنوان ناظر بر عملکرد سایر دیوانیان بود و انتخاب این شخص از جمله اختیارات حاکم بود. اگرچه حاکم اعمال وی را تحت نظارت وزیر قرار داد، در مقام عمل و نظر صاحب‌دیوان هم‌پایه وزیر بود (همان: ۳۷۰). از میان دیوان‌های جدید التاسیس، برخی از آن‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای بودند و نقش مهمی در سازمان اداری آل بویه داشتند. دیوان رسائل در زمره این دیوان‌ها بود. این دیوان مسئولیت نگارش و ارسال کلیه مکاتبات دولتی را با کلیه اتباعش برعهده داشت، هم‌چنین به نامه‌هایی که از اطراف و اکناف کشور می‌آمد رسیدگی می‌کرد. اهمیت صاحب‌دیوان رسائل در حد وزیر بود و گاه به جای وزیر قرار می‌گرفت (فقیهی ۱۳۶۵: ۳۵۴).

۴. دیوان‌سالاری در عصر سلجوقی

وزارت در دوره سلجوقی در مقایسه با گذشته تکامل چشم‌گیری پیدا کرد. به طوری که این دوره را می‌توان دوره تکامل دیوان‌سالاری در ایران دانست. در این دوره، نهاد وزارت به عنوان یک عنصر ثابت بر نیروهای مختلف و پراکنده، که به صورت داخلی و خارجی مشغول کار بودند، نظارت می‌کرد. این نهاد بازوی کشوری حکومت سلجوقی به شمار می‌رفت و از نهادهای جافتاده حکومت اسلامی محسوب می‌شد. در دوره سلجوقی، سلطان امور کشوری امپراطوری را به کارمندان دیوانی احاله می‌کرد. نهادهای کشوری سلجوقی مبتنی بر تشکیلات سامانیان بود که عبدالله بن احمد جیهانی، وزیر نصر دوم، با مطالعه نظام‌های رایج زمان خود مدون کرده بود. در عصر سلجوقی در کنار نهاد درگاه یا سلطنت، بخش دیوان‌سالاری قرار داشت که از وزیر اعظم، وزرای تحت نظر او، و سایر اجزای دیوان‌سالاری تشکیل می‌شد. وظایف متصدی منصب وزارت اعظم در سراسر دوره سلجوقی، بنابه اقتدار و نفوذ شخصی که متصدی این مقام

می‌گردید، کم یا زیاد می‌شد. دیوان وزیر در ایامی که وزیر مقتدری چون خواجه نظام‌الملک در رأس آن قرار داشت کانون مهم قدرت بود. وظیفه اصلی مقام وزیر در حوزه امور مالی خلاصه می‌شد. دیوان اعلی از چهار بخش اصلی تشکیل می‌شد: دیوان انشا و طغرا، دیوان استیفا و زمام، دیوان اشراف ممالک، و دیوان عرض. وزیر در مقام ریاست عالی دیوان‌های فوق نقش هماهنگ‌کننده و ناظر بر حسن اجرای وظایف هر اداره را برعهده داشت. خواجه نظام‌الملک طوسی به‌عنوان دیوان‌سالاری که الگوی متعالی دیوان‌سالاری دوره سلجوقی تجلی‌یافته و آرمان‌های لایه دیران ایرانی اسلامی را رهبری می‌کرد، سیاست و رویه‌ای در هدایت دیوان‌سالاری و امور اجرایی کشور در پیش گرفت که به‌عنوان الگوی عمل وزرای پس از وی درآمد. وی اعضای دیوان‌سالاری را از کسانی انتخاب می‌کرد که از تجانس فرهنگی، مذهبی، و اجتماعی برخوردار بودند. حلقه اصلی در دیوان‌سالاری از خویشان و بستگان وزیر تشکیل می‌شد. سیاست‌های فرهنگی وی، به‌ویژه در حوزه تأسیس نهادهای آموزشی، سیاست دیوان‌سالاری وی را تقویت می‌کرد. مهم‌ترین ویژگی نظام‌الملک، که مقام او را در بین جریان دیوان‌سالاری دوره اسلامی برجسته‌تر می‌کند، به تألیفاتی در حوزه اندرزنامه‌نویسی مربوط می‌شود (قادری ۱۳۸۲: ۱۱۸). خواجه در این اثر امور واقعی و بنیادی حکومت و ترویج سلطنت را در دستورکار خود قرار داده است. از این‌روست که آموزه‌های سیاسی و رویه‌شناسی خواجه تا دوران جدید تاریخ ایران مورداعتنا و پیروی دیوان‌سالاران و جریان دیوان‌سالاری این سرزمین قرار گرفت.

۵. نقد و بررسی اثر

۱.۵ میزان رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش تخصصی اثر

مترجم، با توجه به این که تحصیلات آکادمی دارد، با قواعد عمومی نگارش آشنایی داشته و متن موردنظر را متناسب با قواعد نگارشی ترجمه کرده است. به‌لحاظ ویرایش تخصصی باز هم چون مترجم تحصیلات آکادمی رشته تاریخ داشته و توانسته است متنی را پیاده کند که از نظر متون تاریخی به‌جا باشد و از ترجمه تحت‌اللفظی استفاده نکرده است، بلکه واژه‌هایی را برگزیده است که با متون تاریخی هم‌خوانی داشته باشد.

۲.۵ میزان روان و رسابودن اثر

مترجم اثر در ترجمه کتاب دو مزیت و برتری دارد: یکی این که خود اصالتاً عرب است و بعداً به ایران مهاجرت کرده و در ایران به دانشگاه راه یافته است؛ دوم این که دکترای تاریخ

دارد و این امر باعث شده که در ترجمه متن اصلی، که عربی است، مشکلی نداشته باشد. دیگر این که چون خود مترجم تاریخ خوانده است، از زبان تحت‌اللفظی و ساده پرهیز کرده و متنی را براساس زبان علمی در حوزه تاریخ نگاشته است و تقریباً در جایی از متن واژه‌ای نامأنوس و تحت‌اللفظی (جایی که معنای اصطلاحی و تخصصی می‌خواهد) که معنا و سطح علمی متن به لحاظ زبانی را پایین بیاورد به چشم نمی‌آید.

۶. بررسی ابعاد محتوایی اثر

۱.۶ نظم منطقی و انسجام مطالب در کل اثر

متن به لحاظ ساختاری در سه بخش و هر بخش به چندین فصل تقسیم شده است که به هم‌دیگر مرتبط‌اند و متنی منسجم و منطقی را تا حدود زیادی نگاشته است.

۲.۶ نظم منطقی و انسجام مطالب اثر در درون هر فصل

مطالب هر فصل به لحاظ ساختاری منسجم و در ادامه هم‌دیگر و در ارتباط با کلیت اثر هستند، اما یکی از عمده نقاط ضعف و قابل انتقاد این کتاب این است که نویسنده براساس سامان تحقیق کلی، فصل‌های هر بخش را براساس یک مدل چیده است و در هر فصلی که برای هر دوره‌ای (آل بویه، سلجوقیان، و عباسیان) در نظر گرفته است، مدل ساختاری‌ای تعریف کرده است و براساس آن به بررسی مباحث خویش می‌پردازد که این به لحاظ فرم ظاهر خوب به نظر می‌رسد؛ زیرا متن را یک‌دست‌تر کرده است، اما به لحاظ محتوایی باعث تقلیل مباحث می‌شود. نویسنده خود را مقید کرده که الزاماً در هر دوره‌ای به اطلاعات، توصیف، یا تحلیل خاصی برسد و همین انعطاف‌پذیری نویسنده را در به‌بحث‌کشیدن مطالب بیش‌تر دچار مشکل کرده است و این یکی از آسیب‌های جدید پژوهش‌هایی است که بر فرم اثر بسیار تأکید دارند و می‌خواهند آن را به کل اثر، آن هم نه یک دوره زمانی و قلمرو جغرافیایی خاص و تعیین‌شده، بلکه به یک گستره جغرافیایی و زمانی تعمیم دهند.

۳.۶ میزان اعتبار منابع از جهت علمی

این کتاب چون مشخصاً به بحث وزارت در دولت عباسیان و عصر آل بویه و سلجوقیان پرداخته است، به لحاظ منبع‌شناسی کتابی بسیار مفید است و منابع ذکرشده نیز دوره‌های

مورد بحث نویسنده را به خوبی پوشش می‌دهد و هر آنچه از منابع برجسته بوده ذکر شده و مورد استفاده قرار گرفته است. در کتاب‌نامه نیز نسخ خطی‌ای که استفاده کرده ذکر شده است، اما با وجود این، نویسنده در ارجاعاتش حجم عظیمی از داده‌ها را از کتاب المنتظم ابن جوزی گرفته است و ارجاع بیش از اندازه به یک نویسنده بعضاً اثر را با نقد مواجه خواهد کرد، ولی در کل، منابع مورد استفاده نویسنده یک منبع‌شناسی خوب برای وزارت در عهد عباسیان، سلجوقیان، و بویه‌یان است.

۴.۶ میزان بهره‌وری از منابع موجود و جدید برای تبیین موضوعات

مطالعه منابع دست‌دوم در کتاب مذکور نشان می‌دهد که نویسنده به قدر کافی از منابع جدید استفاده نکرده است. به نظر من اگر آن‌ها را بهتر مطالعه و مذاقه می‌کرد، می‌توانست متنی را تألیف کند که تکرار نوشته‌های پیشین نباشد و از کارکرد مهم استفاده از منابع دست‌دوم همین پرهیز از تکرار است. از ضعف‌های اساسی این کتاب آشنانبودن نویسنده با زبان فارسی است و متعاقب آن نویسنده نتوانسته است به منابع جدیدی که درباره عهد سلجوقیان و آل بویه در ایران تألیف می‌شوند دست‌رسی داشته باشد؛ چراکه در ایران به بحث وزارت در دوره‌های مورد بحث بسیار پرداخته‌اند و نویسنده نتوانسته است فراتر از آن‌ها چیزی را بیان کند و می‌توان گفت جاهایی که از وزارت در عهد آل بویه و سلاجقه صحبت می‌کند برای خوانندگان پارسی‌زبان، متنی به لحاظ محتوایی ناب محسوب نمی‌شود. همان‌طور که اشاره شد، فقط در بخش منبع‌شناسی می‌تواند کمک شایانی به شناساندن منابع و استفاده از آن‌ها داشته باشد.

۵.۶ میزان دقت در استنادات و ارجاعات اثر

مؤلف برای همه آنچه نقل کرده ارجاعات آن را نیز ارائه داده است که از نقاط قوت کتاب همین منابع و ارجاعات آن با ذکر مشخصات اثر است. نویسنده در ذکر منابع و ارجاعات امانت‌داری خوبی کرده و بدون ارجاع مطلبی را بیان نکرده است.

۶.۶ تجزیه و تحلیل علمی مسئله

یکی از عمده نقدهایی که می‌توان بر این کتاب گرفت در زمینه محتوایی، تجزیه و تحلیل، و بررسی مسئله است؛ چراکه نویسنده در توصیف و تحلیل مسئله خویش، آن‌گونه که عنوان

به ذهن متبادر می‌کند، ناتوان است و اساساً عنوان و متن خیلی به‌لحاظ محتوایی با هم سازگاری ندارند، عنوان کتاب *نظام وزارت در دولت عباسیان/ آل بویه و سلجوقیان* است، اما وقتی متن را مطالعه می‌کنید، متوجه می‌شوید که مؤلف بیش‌تر نظام وزارت در دوران آل بویه و سلجوقیان را بررسی می‌کند و در جاهایی اشاره کوتاهی به عباسیان دارد، اما عنوان کتاب به ما می‌گوید که هدف نویسنده کلیت نظام وزارت در عهد عباسی با تأکید بر دو دوره مذکور است. این درحالی است که نویسنده در ارتباط دادن نظام وزارت سلطانی و خلیفه ناتوان است و بعضاً به اختلافات جایگاهی و حقوقی و نهایتش دخالت‌هایی اشاره می‌کند، اما نمی‌تواند این ارتباط نظام بویهی و سلجوقی را با دربار عباسی تشریح کند و بیش‌تر به وضعیت وزرا در آن دوره‌ها می‌پردازد که این مسئله با آنچه عنوان می‌رساند تا حدودی مغایر است.

از دیگر نقدهایی که می‌توان بر این کتاب به‌لحاظ محتوایی وارد کرد این است که مؤلف اساساً در توصیف و ارائه تصویری کلی از نظام وزارت ناتوان است و در جاهایی که درباره وزرا صحبت می‌کند بیش‌تر از این که ما را با ساختارها و سازوکارهای دیوان وزارت آشنا کند، بیش‌تر سیاست را تشریح می‌کند، یعنی در خلال متن مباحث مربوط به وزارت عهد سلجوقی بیش‌تر ما را متوجه شناخت دولت سلجوقی می‌کند. هم‌چنین در این متن به روابط میان وزرا و مردم نپرداخته است. درحالی که این یکی از مهم‌ترین کارکردهای نظام وزارت علاوه بر امور مالی، حلقه واسطه مردم و سلطان است که این بخش نادیده گرفته شده است. هم‌چنین وزرا را بیش‌تر از جنبه فردی و شخصی نگاشته است. بدین معنی اقدامات خود وزیر و فعالیت‌های او را در قالب شخص وزیر نگاشته است نه در قالب نظام وزارت. برای همین اصولاً در این کتاب دیوان وزارت تشریح نشده است و با مطالعه اثر در نهایت به دانش کلی از زندگی و فعالیت‌های شخصی یک وزیر می‌رسیم.

۷.۶ میزان رعایت بی‌طرفی علمی

به‌لحاظ بی‌طرفی علمی و ارزش‌گذاری‌های شخصی، مؤلف با توجه به این که توصیف‌گری کرده است، تا حدود زیادی توانسته است از میزان قضاوت‌های ارزشی خویش بکاهد و در این کتاب بر شیعه یا فرقه‌های سنی و حتی غیرمسلمانان نمی‌تازد و از واژه‌های اغراض‌آمیز در وصف وزرا به‌کار نمی‌برد و اصولاً حکم اخلاقی علیه کس خاصی یا فرقه‌ای صادر نکرده است تا بخواهد مؤلف را به جهت خاصی سوق دهد. هرچند که صحبت کردن از یک بی‌طرفی همه‌جانبه محال است.

۸.۶ جنبه‌های نوآورانه و خلاقانه اثر

همان‌طور که در بخش منابع توضیح داده شد، باتوجه‌به این‌که مؤلف از منابع جدید و دست‌دوم کم‌تر استفاده کرده است و به بازگویی و تکرار مطالب نویسندگان قبلی پرداخته است، هیچ‌گونه ابتکار و نوآوری‌ای نداشته است و صرفاً این‌که کتابی را مخصوصاً درباره وزارت نگاشته است تفاوت‌هایی کمی با محققان قبلی دارد، اما هرآن‌چه محققان در کتاب‌هایشان گفته‌اند این‌جا هم تکرار شده است.

۹.۶ میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات اثر

داده‌ها را اگر منابع اصلی لحاظ کنیم، قاعدتاً از منابع دسته‌اول هستند و بنابر خواست و هدف هر نویسنده روزآمد هستند، اما اطلاعات اثر، که پیش‌تر هم اشاره شد، بازگویی و تکرار اطلاعات پیشینیان است، ولی برای محققانی که بخواهند از اطلاعات این کتاب استفاده کنند خوب و مفید است.

۱۰.۶ میزان سازگاری محتوای علمی و پژوهشی اثر با مبانی و پیش‌فرض‌های متن

عنوان کتاب و متن اصلی از نظر سازگاری مکمل هم‌دیگر نیستند؛ عنوان یک چیزی را به ذهن متبادر می‌کند و متن هم ذهن را به سمت و سوی دیگری می‌کشاند. در عنوان، ذهن پیش‌تر انتظار شناخت نظام وزارت و مناسبات درونی آن را دارد، ولی وقتی به متن مراجعه می‌کنید بیش‌تر مسائل سیاسی و بعضاً مالی و علمی آن هم در حد خود شخص وزیر نه دیوان وزارت را می‌بینید و ذهن به شناخت مسائل سیاسی می‌رسد تا اداری؛ لذا مبانی و پیش‌فرض‌های مطرح در متن با محتوای علمی و پژوهشی اثر هم‌خوانی چندانی ندارد.

۱۱.۶ میزان انطباق محتوای اثر با عنوان و فهرست کتاب

پیش‌تر هم اشاره شد که محتوای علمی در عنوان و سرفصل‌ها با هم هم‌خوانی چندانی ندارد و بیش‌تر هرآن‌چه گفته است در وزیر خلاصه کرده است. انگار وزیر به‌تنهایی با قدرتی ماورایی همه چیز را تحت نظر دارد و از مجموعه دیوانی خبری نیست. عنوان: نظام وزارت در دولت عباسیان (آل بویه و سلجوقیان).

سرفصل‌ها: نظام وزارت در دوره آل بویه (زهرانی ۱۳۹۳: ۹۹). این‌گونه برداشت می‌شود که نظام وزارت را توضیح داده است، اما به جایگاه این دیوان در دوره آل بویه پرداخته است و از خود نظام وزارت و ساختارهای درونی و مناسبات آن نمی‌گوید. کل ساختار متن براساس موارد زیر سامان‌دهی شده است که تکیه‌اش بر شخص وزیر و معرفی خود اوست:

- تعیین وزیر (صفحه ۱۱۰ و ۱۶۸)؛
- حقوق وزیر (صفحه ۱۱۳ و ۱۶۸)؛
- لقب وزیر (صفحه ۱۲۱ و ۱۷۴)؛
- مشهورترین وزرا (صفحه ۱۲۷ و ۱۷۹).

۷. نتیجه‌گیری

با نقد و بررسی کتاب نظام وزارت در دولت عباسی (عصر آل بویه و سلجوقی) یافته‌ها حاکی از آن است که نویسنده با طراحی یک مدل سامان تحقیقی به بررسی وزارت در عهد عباسی و با تکیه بر آل بویه و سلجوقی پرداخته است. مدلی که طرح آن برای سه دوره متمایز از هم چیزی جز تقلیل و حذف و نادیده‌گرفتن داده‌ها و اطلاعات پیش‌رو نیست. چراکه هر دوره‌ای اقتضای نوع خاصی از ساختار و کنش را دارد و با یک مدل سامان تحقیقی، سخت بتوان دامنه موضوع را پوشش داد. همین باعث شده است که عنوان و سرفصل‌ها به‌لحاظ محتوایی با هم هم‌خوانی نداشته باشند و خواننده با مطالعه اثر درکی از وضعیت نظام وزارت در عهد عباسی پیدا نمی‌کند؛ دیگر این‌که عنوان کتاب، که به نظام وزارت پرداخته است، اساساً چیزی از ساختارها و تشکیلات این دیوان نمی‌گوید و فقط توجه و مورد مطالعه زهرانی شخص وزیر است. وی وزیر را هم‌چون خود تشکیلات می‌پندارد. برای همین به میزان حقوق وزیر، القاب، و کارهای عمرانی او پرداخته است و از روابط و نسبت وزیر با دیوانیان چیزی نمی‌گوید، بنابراین، می‌توان گفت عنوان خود کتاب مشکل دارد و می‌توانست این‌گونه باشد: «وزرای عهد عباسی با تأکید بر آل بویه و سلجوقیان»، با این عنوان، محتوا و عنوان هم‌خوانی بهتری پیدا می‌کنند.

کتاب‌نامه

ابن مسکویه (۱۴۲۴)، تجارب الامم، به تحقیق سیدحسن کسروی، لبنان: دارالکتب العلمیة.

- استخری، ابواسحاق بن ابراهیم (۱۳۶۸)، *مسالک و ممالک*، به‌اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی. پورداود، ابراهیم (۱۳۸۰)، *خرده‌وستا بخشی از کتاب اوستا*، تهران: اساطیر.
- الدوری، عبدالعزیز (۱۳۹۴)، *پژوهشی در تاریخ سیاسی، اداری، و مالی عصر عباسی اول*، ترجمه رمضان رضایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دیاکونوف، م. م. (۱۳۴۶)، *تاریخ ایران باستان*، ترجمه روحی ارباب، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- زهرانی، محمد مسفر (۱۳۹۳)، *نظام وزارت در دولت عباسی (عصر آل بویه و سلجوقیه)*، ترجمه ستار عودی، تهران: علمی و فرهنگی.
- طقوش، محمدسهیل (۱۳۸۳)، *دولت عباسیان*، ترجمه حجت‌الله جودکی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- فقیهی، علی‌اصغر (۱۳۶۵)، *آل بویه*، تهران: صبا.
- قادری، حاتم (۱۳۸۲)، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: سمت.
- کارلا، کلاوسنر (۱۳۸۹)، *دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی (وزارت در عهد سلجوقی)*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- ماوردی بصری، ابوالحسن علی بن محمد بن حبیب (۱۳۹۱)، *الاحکام السلطانیه*، ترجمه حسین صابری، تهران: علمی و فرهنگی.